



عالی‌پور، یوسف؛ ایزدی، صمد؛ صالحی عمران، ابراهیم و صفارحیدری، حجت (۱۳۹۹). آزادی علمی در نظام آموزش عالی ایران. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۷(۱۵)، ۲۶۷-۲۹۶.

آزادی علمی در نظام آموزش عالی ایران^۱

یوسف عالی‌پور^۲، صمد ایزدی^۳، ابراهیم صالحی عمران^۴ و حجت صفارحیدری^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۶

چکیده

آزادی علمی یکی از اصول اساسی حاکم بر نظام های آموزش عالی می باشد، که سابقه طولانی در دانشگاه های دنیا دارد. آزادی علمی مفهومی نسبی است و هرگاه از نسبی باوری، سخن به میان می آید باید معنای مفاهیم را در ساختار و بافت اجتماعی مورد بررسی قرار داد و به همین دلیل نمی توان از یک روش همیشگی و جهان شمول استفاده نمود، بلکه باید آن را در بستر نیازها و بایسته های زمان و مکان مورد بررسی قرار داد. اندیشه‌ی استفاده از یک طرح جهان شمول در این زمینه رنگ باخته و می‌بایست جای خود را به اندیشه‌های فرهنگی، محیطی و اجتماعی دهد. مفهوم آزادی علمی بسیار متأثر از باورهای اجتماعی و فرهنگی جوامع می باشد. از این رو هدف کلی این مقاله، بررسی آزادی علمی در نظام آموزش عالی ایران است. جامعه آماری، کلیه اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و هم چنین خبرگان علمی این حوزه می‌باشد که ۱۳ نفر از آنها به صورت هدفمند برای انجام مصاحبه‌های عمیق انتخاب شدند. روایی ابزار نیز با روش تطبیق مشارکت کنندگان و بازبینی همکاران بررسی شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از کدگذاری باز و محوری استفاده شده است. یافته‌های پژوهش، شامل پنج بعد آزادی علمی (چالش‌ها، راهکارها، پیش نیازها، ملزومات و حدود آزاد علمی)، ۱۷ مقوله اصلی و ۱۴۸ گزاره مفهومی (مقوله فرعی) بود که روابط بین آنها در الگوی پژوهش ترسیم شد.

کلید واژه‌ها: آزادی علمی؛ باورهای فرهنگی؛ نظام آموزش عالی ایران.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته آموزش عالی، گرایش برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی است.

۲- دانشجوی دکتری آموزش عالی دانشگاه مازندران، yosefalipor63@gmail.com

۳- دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، s.izadi@umz.ac.ir

۴- استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران، edpes60@hotmail.com

۵- دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران، h.saffar@umz.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسأله

آزادی علمی واژه‌ای پرکاربرد در نظام‌های آموزش عالی است و به عنوان یک ارزش یا هدف بنیادین تلقی می‌شود، به گونه‌ای که از آن و استقلال دانشگاهی به عنوان اصول حاکم بر آموزش عالی (استویکا و سافتا^۱، ۲۰۱۳: ۱۹۲) یاد می‌شود. با این وجود، حوزه آزادی علمی در حال حاضر با مجادلات و بحث‌های فراوانی روبروست و اختلافات بی‌پایانی در مورد معنای آن وجود دارد. به عنوان نمونه؛ آزادی علمی گاهی محافظت از توانایی دانشگاهیان در وظایف حرفه‌ای (پاست^۲، ۲۰۱۶: ۹)، یا تلاشی برای جلوگیری از مداخلات دولت در مورد مسائل دانشگاهی و آموزشی (بلوف^۳، ۲۰۱۰: ۱۱۷)، همچنین، تدوین برنامه‌های تحصیلی و تعیین اهداف به صورت مستقل (گروف^۴ و همکاران، ۱۹۹۸، به نقل از دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۴) و توسعه و انتقال دانش (فراستخواه، ۱۳۸۳: ۲)، تعریف شده است.

در این راستا؛ آزادی علمی دارای ارزشی بنیادی برای دانشگاه‌هاست (تیرنی و لچوگا^۵، ۲۰۰۵: ۶) که شالوده آن برگرفته از آزادی‌های فردی و مدنی است که به مرور وارد حوزه آموزش عالی شده است (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۵۶). دانشگاه‌ها در طول دهه‌های گذشته، ناگزیر بوده اند که همواره موازنه ظریفی را میان حق استقلال خود و اختیارات جوامعی که در آن فعالیت می نمودند، حفظ کنند. آنها اگر چه همیشه هم موفق نبوده‌اند، ولی آرمان استقلال خواهی‌شان هرگز رنگ نباخته است (غفرانی، ۱۳۸۵: ۷۷). در بحث آزادی علمی مهم این است که دانشگاه را به عنوان نهادی جدا از جامعه ندانیم. همانطور که جامعه‌شناسان سه موج فکری مطرح ساختند که شامل جامعه‌شناسی قدیم که را علم به مثابه نظام اجتماعی مستقل می‌داند، جامعه‌شناسی جدید علم یا جامعه‌شناسی معرفت علمی که علم را نوعی برساخت اجتماعی در نظر می‌گیرد و موج سوم که علم و جامعه ملازم یکدیگرند و در تکوین همدیگر نقش پویایی ایفا می‌کنند (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۶: ۱۳۷). جامعه‌شناسی قدیم علم که بر اساس دیدگاه مرتون^۶ و پیروانش می‌باشد تا دهه ۱۹۷۰ نگرش غالب بر جامعه‌شناسی علم بود. مرتون به چهار الزام نهادی در علم اشاره می‌کند که عبارتند از: جهانی بودن، که علم متکی به ویژگی‌های شخصی یا اجتماعی عرضه کنندگان آن نیست و الزام به جهانی بودن علم ریشه‌های عمیقی در ماهیت غیر شخصی

1- Stoica & Safta

2- Post

3- Beloff

4- Groof at el

5- Tierney & Lechuga

6- Merton

دارد (محسنی، ۱۳۸۶: ۶۹). در این راستا، زلزله^۱ (۲۰۰۳)، نیز از جهانی شدن به عنوان یکی از اهرم‌های فشار برای باز تعریف آزادی علمی یاد نموده و بیان می‌کند که دانشگاهیان برای دفاع از آزادی علمی در قبال جهانی شدن نیازمند تعریف جدیدی می‌باشند (زلزله، ۲۰۰۳: ۱۵۰). همچنین مهمان‌ها جهانی شدن را تهدید مهمتری از مولفه‌های دیگر همچون کاهش بودجه عمومی و ایدئولوژی‌های محافظه کارانه می‌داند (مهمان‌ها، ۲۰۱۱).

دومین الزام نهادی از نظر مرتون اشتراک است که یافته‌های علمی را محصول همکاری اجتماعی می‌داند و معتقد است علم به اجتماع تعلق دارد. پوچ^۳ (۱۹۹۳: ۳)، نیز در زمینه اشتراک یافته‌های علمی بیان می‌کند که در قرون وسطی تا زمانی که قدرت در اختیار کلیساها نبود اساتید دانشگاهی آزادی برای کشف و به اشتراک گذاشتن دانش جدید را در اختیار داشتند. اما بعد از آن با اعتقادات مذهبی محدود شدند و آزادی علمی کاهش یافت. سومین الزام شک سازمان یافته است که علم سولاتی درباره واقعیت‌ها و جنبه‌های مختلف طبیعت و جامعه مطرح می‌سازد و ممکن است با سایر گرایش‌ها در رابطه با همان جنبه در تضاد قرار گیرد (محسنی، ۱۳۸۶: ۷۱-۷۲). از مهم‌ترین هنجارهای اجتماع علمی شک سازمان یافته، بی‌طرفی است که از مقتضیات فعالیت‌های علمی نشأت می‌گیرد. هر نوع هنجارسازی بیرونی برای اجتماع علمی، عین بی‌هنجاری و موجب آنومی خواهد بود. جامعه علمی فقط با هنجارهای درونی متناسب با ساخت صنفی و طبیعت و سرشت فعالیت حرفه‌ای خود است که می‌تواند وضعیت به هنجاری داشته باشد؛ به عبارت دیگر، اجتماع علمی، قرین شک مداوم و پویایی و بی‌طرفی است و این‌گونه هنجارهای درونی نیز تنها در جو آزادی علمی، موضوعیت پیدا می‌کنند (فراستخواه، ۱۳۸۳: ۱۱۸). آخرین الزام بی‌تفاوتی عاطفی است که علم تا آنجا که با نظام‌های حرفه‌ای ارتباط پیدا می‌کند که به عنوان یک عنصر اصلی نهادی در نظر گرفته شود (موفقیان، ۱۳۸۳: ۱۱).

اما محققانی چون پارنز^۴ الزامات و اصولی را که مرتون مطرح کرده است را مورد تردید قرار داده‌اند چرا که، این اصول را متکی به مجموعه شرایط متفاوت اجتماعی می‌دانند (زاگرم^۵، ۱۹۸۸: ۵۱۷). در این راستا، آزادی علمی دانشگاه در تعامل منطقی با نظام‌های همجوار و محیط پیرامونی، معنا و مفهوم می‌یابد و دارای، لوازم خاص فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی است و از مسئولیت و التزام و پاسخگویی اجتماعی، جدایی‌ناپذیر است (فراستخواه، ۱۳۸۳: ۱۳۸۳).

1- Zeleza

2- Mahamane

3- Poch

4- Parnes

5- Zuckerman

به عنوان نمونه، موسسات آموزش عالی به عنوان نهادهایی که دائماً وابسته به کمک‌های مالی دولت، بازار و بخش خصوصی هستند، همواره در برابر تأثیرات آنها، آسیب‌پذیر می‌باشند (کیروز و همکاران^۱، ۲۰۰۱: ۳-۴). به همین دلیل مداخله مراجع بیرونی مانند دولت در دانشگاه، اصل وفاداری به حقیقت علمی در دانشگاه را مخدوش کرده و به اعتبار دانشی که در دانشگاه تولید و آموزش داده می‌شود لطمه می‌زند. در واقع اساسی‌ترین کنش مورد انتظار از دانشگاه، نقد و روشنگری اجتماعی است و این نمی‌تواند در شرایطی که دانشگاه‌ها بازوی فکری و ایدئولوژی قدرت حاکم تلقی می‌شوند رخ دهد (فتح الهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷؛ تیرنی و لچوگا^۲، ۲۰۰۵: ۶)، که در این ارتباط و با توجه به شواهد موجود تردیدهایی وجود دارد.

از نظر تاریخی و در ارتباط با آزادی علمی، دانشگاه به رغم برداشتهایی که از آن مطرح می‌شود، محصول غرب نیست، بلکه در سایر تمدن‌ها وجود داشته است (یمنی، ۱۳۸۸: ۱۵). همه پادشاهان هخامنشی افرادی علم‌دوست و دانش‌پرور بودند و همواره تلاش می‌کردند، دانشمندان و علما را در جمع حاکمیت و مناصب دولتی و حکومتی جای دهند (صلبی، ۱۳۷۹: ۱۳۷). همچنین تا قبل از روی کار آمدن سلسله ساسانی و تأسیس دانشگاه جندی‌شاپور موبدان و مغان در بحث آموزشی و کلاس‌های درس نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند و تمامی فرایندهای آموزشی توسط این گروه مشخص می‌شد (محمودآبادی، ۱۳۸۳: ۴۱۰). از دید جورج سارتون، دانشگاه جندی‌شاپور پایگاه تعصب و قشری‌گری نبود (یمنی، ۱۳۸۸: ۲۳). به‌علاوه بعد از ورود اسلام به ایران، امویان جندی‌شاپور را مرکز تضاد با دین معرفی می‌کردند. در حالیکه، خود اعتقادی به دین نداشتند و همین مسئله باعث شد تا دانشگاهی به این عظمت نتواند در سایر مراکز و مناطق نفوذ کند، اما این مرکز علمی آغازگر دوره نهضت ترجمه شد (قورچیان و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۱۲). در دوره آل‌بویه نهضت توسعه کتابخانه‌های بزرگ، تأسیس دارالعلم‌ها و بیمارستان‌های آموزشی، به منزله تحولات اساسی که مورد توجه امرای آل‌بویه بود، رونق یافت (کسائی، ۱۳۵۸: ۲۶۳). با ظهور دولت صفویان و سیاست مذهبی سلاطین صفویه موجب شده بود که تمام توجه معطوف به مذهب شود و تنها علوم دینی را دانش نامند و فقط فقیهان را عالم خوانند و برنامه‌ی مدارس تقریباً منحصر به فقه و اصول و تفسیر باشد (صدیق، ۱۳۴۹: ۳۰۱). علاوه بر این سازمانی خاص برای هدایت افراد یا سرپرستی برنامه‌های تحصیل وجود نداشته است (سرمد، ۱۳۷۲: ۸۹). از اواسط قرن نوزدهم کشور ایران دستخوش دگرگونی‌های وسیع سیاسی-اجتماعی

1- Kayrooz et al

2- Tierney & Lechuga

شد. عمیق‌ترین و پایدارترین جنبه این دگرگونی‌ها بعد فرهنگی آنها بود (سمیع‌آذر، ۱۳۷۶: ۲۴۳). در این رستا اندیشه اقتباس آموزش و پرورش جدید از غرب که از سال ۱۲۲۶ هجری قمری (۱۱۸۹ ه.ش) با اعزام دانشجو به اروپا عملی شد، این بار با تاسیس یک موسسه آموزش عالی به سبک غربی، نمود تازه‌ای یافت (ناصح، ۱۳۸۶: ۵). در این دوره جان گرفتن دوباره آزادی علمی و استقلال دانشگاهی بعد از دوران صفویه و حاکمیت مطلق علوم مذهبی مورد توجه قرار گرفت (زیبا کلام، ۱۳۷۷: ۲۸۵).

مشکل عمده‌ای که آزادی علمی از ابتدا در ایران داشت، اقتدارگرایی سیاسی ریشه‌داری بود که خود از سرگذشت تاریخی و فرهنگی و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی این سرزمین نشأت می‌گرفت. این اقتدارگرایی سیاسی که گاهی به شدیدترین صور خودکامگی و تصلب حکومتی ظاهر می‌شد، راه را به روی نهادینه شدن آزادی علمی در کشور می‌بست (فراستخواه، ۱۳۸۲: ۱۲۸). چرا که، آزادی‌ها در سایه استقلال به دست می‌آید و بحث از استقلال و آزادی علمی در دانشگاه‌ها به معنای از بین رفتن نقش دولت و دیگر نهادها در دانشگاه نیست، بلکه اعتمادی به دانشگاه و دانشگاهیان در واگذاری اختیارات و آزادی برای ایجاد فرصتی برای رشد و بالندگی دانشگاه می‌باشد. چنانکه تحقیقات نشان می‌دهد که افزایش استقلال دانشگاهی و آزادی علمی زمینه را برای رشد خلاقیت و نوآوری فراهم می‌نماید. در واقع رابطه بر مبنای اعتماد بین دولت و دانشگاه می‌تواند استقلال و آزادی علمی را به ارمغان آورد، هر چند که این رابطه به صورت یک الگوی واحد و فراگیر نیست و بستگی به شرایط دارد، همانطور که استرمن و استینل^۱ (۲۰۱۱: ۸۷) بیان می‌کنند؛ شکافی تکراری بین استقلال رسمی و آنچه که بر روی کاغذ مطرح می‌شود وجود دارد. افزایش قابل توجه ضرورت پاسخگویی از طرف دانشگاه‌ها، بارها استقلال آنها را تحدید نموده و بیشتر دولت‌ها از این ابزار برای اعمال فشار به دانشگاه‌ها استفاده می‌نمایند.

با توجه به ماهیت فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در نظام‌های آموزش عالی این امر کاملاً ضرورت دارد که بستری بدون محدودیت‌های سیاسی، اقتدارگرایی سیاسی، عدم مداخله مراجع بیرونی و عدم غرض ورزی‌های داخلی برای خلق ایده‌های نوین فراهم آورد. زیرا توجه به آزادی علمی و استقلال دانشگاهی زمینه ساز مسئولیت‌پذیری دانشگاه‌ها در قبال اعطای اختیارات خواهد بود. بنابراین، هدف مقاله حاضر این است که با بررسی وضعیت آزادی علمی در نظام آموزش عالی ایران، به شناسایی ابعاد، چالش‌ها، پیش‌نیازها (ملزومات)، راهکارهای نهادینه‌سازی و حدود آزادی علمی در نظام آموزش عالی ایران پرداخته شود و با استفاده از داده‌های گردآوری شده، الگویی

مبتنی بر بافت آموزش عالی ایران تدوین شود.

۲- پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر و با توجه به اهمیت نقش آزادی علمی در مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی اعضای جامعه دانشگاهی، تحقیقات متعددی در رابطه با آزادی علمی و نقش آن در پیشبرد اهداف آموزش عالی انجام شده است.

وریلینک^۱ و همکاران در سال ۲۰۱۱ به بررسی ابعاد و دامنه آزادی علمی پرداخته‌اند و نشان دادند، که چگونه سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران اروپایی و ملی می‌توانند اقداماتی را برای تسهیل، تقویت و بهینه‌سازی آزادی علمی انجام دهند. اطلاعات پژوهش نشان داد، آزادی علمی از سه بعد یا جنبه تشکیل شده است؛ ۱- داشتن حقوق فردی گسترده در آزادی بیان برای اعضای جامعه دانشگاهی (کارکنان و دانشجویان) از جمله آزادی در مطالعه، آموزش، تحقیق و اطلاعات؛ ۲- داشتن استقلال سازمانی یا جمعی به طور کلی (دانشگاه)، یا زیر مجموعه‌ای از آن (دانشکده، واحد تحقیقات و غیره). یعنی داشتن استقلال گروه‌ها و دانشکده‌ها از یک سو و داشتن تعهد از سوی دیگر برای ترویج اصول آزادی علمی در اداره امور داخلی و خارجی؛ ۳- داشتن تعهد به مقامات دولتی به خاطر حمایت از آزادی علمی و اطمینان خاطر از این که آزادی علمی ترویج خواهد یافت. این سه بعد از آزادی علمی منحصر به فرد هستند اما آنها متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. در ادامه لازم به ذکر است که استقلال نهادی نباید توسط موسسات آموزشی به عنوان بهانه‌ای برای محدود ساختن حقوق فردی اعضا گردد.

کیش^۲ (۲۰۱۰) با بررسی تاریخچه آزادی علمی از سال ۱۹۵۰ تاکنون بیان می‌کند چه چیزی بر وضعیت فعلی آزادی علمی تاثیر گذاشته و به دنبال روشن ساختن این است که چگونه استقلال حرفه‌ای باعث درک بهتر آزادی علمی در دانشگاه‌ها می‌شود. یک طبقه بندی سازمانی برای توضیح پیچیدگی‌ها، عوامل و تهدیدات آزادی علمی ارائه شده است و این طبقه بندی نشان می‌دهد که در طول این دوره فضای پر سر و صدایی در مورد وضعیت آزادی علمی وجود داشته ولی با این وجود هنوز به صورت کامل شناسایی و مورد بررسی قرار نگرفته است، زیرا وضعیت به صورت ایستا نیست و قابل تغییر می‌باشد.

1- Vrieling et al

2- Kish

هانت^۱ (۲۰۱۰) با دیدگاه حقوقی به بررسی حقوق و مسئولیت‌های ضمنی آزادی علمی می‌پردازد. یافته‌های هانت نشان می‌دهد که افراد دانشگاهی از آزادی علمی نسبت به افراد بیرون از دانشگاه، لذت می‌برند. دانشگاهیان سعی می‌کنند که به عنوان مشاور در خدمت موسسات خصوصی و دولتی باشند و در قبال آزادی مسئولیت قبول می‌کنند. کمتر کسی پاسخگوی اقدامات رسمی انجام شده توسط دولت مدیریت دانشگاه می‌باشد، بنابراین برای رسیدگی به این مشکل بهترین راه تشویق استادان و دانشجویان به بحث آزاد در مورد این مسائل می‌باشد.

روپ^۲ در سال ۲۰۰۵ به بررسی ادراک وکلای^۳ آموزش عالی در خصوص اعطای آزادی علمی و چالش‌های آزادی علمی در دانشگاه‌های آمریکا پرداخت. جمع‌آوری اطلاعات در این زمینه به صورت پیمایش صورت گرفته و شامل سوالاتی چون؛ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، ویژگی‌های نهادی، تجربیات شخصی و حرفه‌ای در زمینه آزادی علمی، نقش و مسئولیت‌های مراجع قانونی در زمینه اختلافات آزادی علمی، ادراکات در رابطه با آزادی علمی دانشجویان، اساتید و نهاد، و ادراکات مربوط به چهار گروه چالش‌های آزادی علمی. پاسخ‌دهندگان حدود ۱۷۹ نفر از وکلای دانشگاه‌های سراسر کشور آمریکا بود. نتایج نشان داد که بزرگترین تهدید برای آینده ملت، القای مستقیم تفکرات رهبران کالج‌ها و دانشگاه‌ها می‌باشد و این امر در رشته‌های علوم اجتماعی بیشتر پدیدار است زیرا اصولی را به عنوان مطلق پذیرفته‌اند. آزادی علمی یک مفهوم است که به معنای آزادی اساتید در تدریس و پژوهش، آزادی دانشجویان در امر یادگیری و آزادی موسسه آموزش عالی نسبت به دخالت دولت در امور داخلی موسسه می‌باشد. در ادامه یافته‌ها نشان می‌دهد که متاسفانه خود اساتید و دانشجویان و موسسات آموزش عالی به آسانی مسئولیت‌های خود را در قبال آزادی علمی نادیده گرفته‌اند و قادر به دفاع از آن نمی‌باشند. در واقع نتایج پژوهش‌های ذکر شده حاکی از این موضوع است که، مفهوم آزادی علمی بسیار متأثر از باورهای فرهنگی جوامع می‌باشد و باید در بررسی‌های آزادی علمی به بافت، زمینه، محیط و واقعیات پویا و پیچیده دانشگاه و همچنین به محیطی که دانشگاه در آن قرار دارد توجه کامل شود.

کریمیان و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان مدیریت دانشگاهی و پاسخگویی؛ ضرورت استقلال و آزادی علمی از دیدگاه اعضای هیات علمی انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که میانگین نمره‌های اختصاص یافته توسط اعضای هیات علمی به آزادی علمی نسبت به استقلال دانشگاهی و تاثیر سیاست‌های خارجی کمتر بود و در بین گویه‌ها، عدم استقلال مالی و وابستگی

1- Hunt

2- Rupe

3- Attorney

به بودجه دولتی، تاثیر روابط سیاسی بر روابط علمی بین‌المللی، تأثیر نگرش‌های سیاسی مدیران دانشگاهی بر فضای علمی، تغییر مداوم برنامه‌ها بعد از تغییرات مدیریتی، از جمله مواردی بودند که بیشترین میانگین مشکلات را به خود اختصاص دادند.

دهقانی و همکاران (۱۳۹۰) موضوع متغیرهای جمعیت‌شناختی را در انگاره‌ها و ادراکات مختلف از آزادی علمی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این تحقیق، تأثیر پنج عامل دانشکده، سابقه‌ی کار، جنسیت، مرتبه‌ی علمی و میزان آگاهی استادان از قوانین، بر میزان آزادی علمی اعضای هیأت‌علمی در ابعاد آموزشی، پژوهشی، سازمانی، فکری و اخلاقی- فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که مرتبه‌ی علمی در چهار بعد آموزشی، پژوهشی، سازمانی و فکری؛ نوع دانشکده در دو بعد پژوهشی و سازمانی و میزان آگاهی استادان از قوانین، در تمام ابعاد آموزشی، پژوهشی، سازمانی، فکری و اخلاقی- فرهنگی بر میزان آزادی علمی استادان تأثیر معناداری دارد، اما سابقه‌ی کار و جنسیت استادان تأثیر معناداری ندارد. دو عامل مرتبه‌ی علمی و میزان آگاهی استادان از قوانین، به ترتیب، پیش‌بینی‌کننده‌ی میزان آزادی علمی استادان می‌باشند، بدین معنی که استادان برخوردار از رتبه‌ی علمی بالاتر، میزان آزادی علمی بیش‌تری را احساس می‌کنند. هم‌چنین، افرادی که آگاهی بیش‌تری نسبت به قوانین دانشگاه دارند، بیش‌تر از سایرین دارای آزادی علمی هستند.

فراستخواه (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان آزادی علمی تعریفی از این مفهوم ارائه می‌دهد؛ آزادی علمی بدین معناست که اعضای جامعه علمی به صورت فردی یا جمعی در پیگیری توسعه و انتقال دانش، به طرق مختلف آزاد باشند. در این پژوهش سوانح آزادی علمی در ایران مورد بررسی قرار گرفته است که مهم‌ترین آن چالش برنامه‌ریزی متمرکز و ایدئولوژیک برای دانشگاه و اجتماع علمی می‌باشد. در ادامه راهکارهایی برای نهادینه شدن آزادی علمی در آموزش عالی کشور مطرح می‌گردد که شامل: اصلاح نظام خط‌مشی‌گذاری عمومی، مقررات‌زدایی و توسعه اختیارات هیأت امنایی، احیای شورای مرکزی دانشگاه‌ها و توسعه نقش هیأت‌علمی و شوراهای عالی در دانشگاه‌ها، تقویت بخش غیردولتی آموزش عالی و انجمن‌های علمی، خودارزشیابی، اصلاح آیین‌نامه‌های انضباطی و تشکل‌های دانشگاهی و دانشجویی، حق دسترسی آزاد به اطلاعات دانش و مالکیت معنوی می‌باشد.

با توجه به مباحث مطرح شده در پیشینه پژوهش، بررسی‌ها نشان می‌دهد که آزادی علمی حق قانونی موسسات آموزش عالی می‌باشد، و در نظام‌هایی که اکثر امور آموزش عالی در دست دولت می‌باشد و نظام‌های دانشگاهی به صورت متمرکز اداره می‌شوند و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها توسط دولت صورت می‌پذیرد عملاً آزادی علمی از بین می‌رود و خلاقیت و فکرهای

جدید توانایی بروز ندارند که این امر زمینه عدم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری را فراهم می‌نماید. هم‌چنین دانشگاه‌ها نمی‌توانند به طور کامل زندگی دموکراتیکی داشته باشند و باید تلاشی مضاعف برای تغییرات در ساختارها، مقررات و چارچوب‌های قانونی برای حرکت به سمت آزادی علمی بیشتر صورت پذیرد.

۳- روش تحقیق

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی است. کرسول^۱ (۱۹۹۸) بیان می‌کند که پژوهش کیفی، یک فرایند بررسی فهم و درک مبتنی بر سنت‌های روش‌شناختی مشخصی است که یک مسئله اجتماعی یا انسانی را کشف می‌کند. این پژوهش تصاویری پیچیده و کلی می‌سازد، واژه‌ها را تحلیل، دیدگاه‌های آگاهی‌دهندگان را به گونه مشروح گزارش و مطالعه را در یک محیط طبیعی هدایت می‌کند (هومن، ۱۳۹۱: ۱۸). در رویکرد کیفی از روش پدیدارشناسی استفاده شد. کوپ^۲ (۲۰۰۳) هدف پژوهش پدیدارشناسی را بررسی ماهیت ذهنی افرادی که در زمینه پژوهش تجربه دارند می‌داند. پدیدارشناسی رویکردی است که به نحوه معنا کردن تجربه و انتقال آن به آگاهی می‌پردازد، این کار را هم به صورت فردی و هم با استفاده از معانی مشترک انجام می‌دهد. این روش به درون تجربه افراد وارد شده و اقدام به اخذ نحوه ادراک، توصیف، احساس، قضاوت، خاطرات، و گفتگوی افراد با دیگران می‌پردازد. پدیدارشناسی در تحلیل تجارب بسیار سخت‌گیر است، تا عناصر اساسی تجربه مشترک افراد را شناسایی کند (ایچلبرگر، ۱۹۸۹؛ به نقل از پاتن^۳، ۲۰۰۲). پژوهش کیفی به طور کلی با درکی انسان‌گرایانه و پدیدارشناختی به مطالعه کنش‌های اجتماعی می‌پردازد و تلاش خود را بر دید علمی از دیدگاه مؤلفه‌های انسانی متمرکز می‌کند. پدیدارشناسی، ریشه در نهضت فلسفی هوسرل^۴ دارد (باب الحوایجی و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۳). هوسرل در این زمینه بیان می‌کند که نقطه آغاز دانش، تجارب درونی فرد از پدیده هاست که شامل احساسات، ادراک‌ها و تصویرهایی است که هنگام توجه کردن به یک شی در آگاهی نمایان می‌شود (اسکات و موریسون^۵، ۲۰۰۶: ۱۷۱).

طبق نظر کرسول (۲۰۱۴)، دو نوع پدیدارشناسی وجود دارد که شامل پدیدارشناسی

1- Creswell

2- Cope

3- Patton

4- Husserl

5- Scott & Morrison

هرمنوتیک^۱ که با متن سروکار دارد و پدیدارشناسی متعالی که بر تجارب شرکت‌کنندگان تأکید دارد. موستاکاس^۲ (۱۹۹۴) از چهار گام در روش پدیدارشناختی متعالی یاد می‌کند: (۱) رویداد مهم، (۲) کاهش پدیدار شناختی، (۳) در نظر گرفتن تفاوت‌ها، (۴) و ترکیب ساختن بافت و معنا. این پژوهش بر اساس رویکرد پدیدارشناسی متعالی انجام شد و تجارب افراد در زمینه وضعیت آزادی‌علمی در نظام آموزش عالی ایران مورد کاوش قرار گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها، مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته بود. جهت تحلیل یافته‌ها، از تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت و تحلیل الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های متنوع را به داده‌های تفصیلی و غنی تبدیل می‌کند (براون و کلارک^۳، ۲۰۰۶، ۷۸). پژوهشگر پس از انجام هر مصاحبه و پیاده‌سازی آن، اقدام به استخراج مفاهیم اصلی و دسته‌بندی مفهومی موجود در آن مصاحبه کرده و سپس آن را به یک توصیف متنی و ساختاری تبدیل کرده است. در تمامی مراحل تحلیل مصاحبه‌ها، اعتبار یافته‌ها در نظر گرفته شده است.

۳-۱- مشخصات کلی مصاحبه شوندهگان

مشخصات کلی افراد مصاحبه شونده در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: مشخصات کلی افراد مصاحبه شونده

شماره	مدرک تحصیلی	تخصص	شماره	مدرک تحصیلی	تخصص
۱	دکتر	برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی	۸	دکتر	حقوق عمومی
۲	دکتر	علوم سیاسی	۹	دکتر	برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی
۳	دکتر	علوم سیاسی	۱۰	دکتر	مدیریت آموزش عالی
۴	دکتر	حقوق بشر	۱۱	دکتر	فلسفه
۵	دکتر	حقوق جزا	۱۲	دکتر	مدیریت آموزشی
۶	دکتر	علوم سیاسی	۱۳	دکتر	جامعه‌شناسی علم
۷	دکتر	جامعه‌شناسی علم			

1- Hermeneutical

2- Moustakas

3- Braun & Clarke

توجه پژوهش کیفی به سمت نمونه‌گیری هدفمند است. این نوع نمونه‌گیری اساساً بر روی نمونه‌های نسبتاً کوچک تمرکز می‌کند و انتخاب هدفمند اجازه بررسی و درک عمیق‌تر پدیده مورد مطالعه را می‌دهد (پاتن، ۲۰۰۲). جامعه‌آماری مورد نظر در این پژوهش شامل کلیه اعضای هیات‌علمی می‌باشد. به علاوه روش نمونه‌گیری به صورت گلوله برفی^۱ انتخاب شد. در این نوع نمونه‌گیری پژوهشگر یک شرکت‌کننده را از طریق شخص دیگری پیدا می‌کند و موقعی استفاده می‌شود که پژوهشگران قادر به تشخیص آگاهی‌دهندگان سودمند نیستند، یا وقتی آگاهی‌دهندگان به راحتی در دسترس آنها نبوده، یا در مواردی ناشناس و گمنام بودن آنها مورد نظر باشد (هومن، ۱۳۹۱: ۸۸-۸۹).

۴- یافته‌های پژوهش

در تحلیل مصاحبه‌ها که به صورت مرحله‌ای صورت پذیرفت، ابتدا با تفکیک متن‌های مصاحبه به عناصر دارای پیام، تلاش شد تا در مرحله اول کدهای باز استخراج شوند. کدگذاری باز به فرایند شکستن، بررسی، مقایسه، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی اطلاعات اشاره دارد (استراوس، و کوربین^۲، ۱۹۹۰: ۶۱). و در مرحله بعدی، مفاهیم استخراج شده در مقوله‌های بزرگ‌تری قرار گرفتند، در این مرحله، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و نتایج حاصله از کدگذاری باز تدوین شده و هر کدام در محل خود قرار می‌گیرند تا دانشی در مورد روابط ایجاد گردد (لی^۳، ۲۰۰۱: ۴۹-۵۰). پس از این مرحله سعی شد مقوله‌ها نیز در قالب دسته‌های بزرگ مفهومی طبقه‌بندی شوند. مرحله دوم کدگذاری‌ها به صورت محوری صورت گرفت، مقوله‌ها در قالب دسته‌های بزرگ دسته‌بندی شدند. جزئیات مرحله اول و دوم کدگذاری در جدول شماره (۲) نشان داده شده است. براساس تحلیل‌های صورت گرفته، وضعیت آزادی علمی در آموزش عالی ایران در قالب پنج بعد، شناسایی و طبقه‌بندی شد که در ادامه هر یک از این ابعاد تشریح می‌شود.

1- Snowball

2- Strauss & Corbin

3- Lee

جدول ۲: مراحل کدگذاری

مرحله کدگذاری باز: ۱۶۵ گزاره مفهومی اولیه	
مرحله کدگذاری محوری: ۵ مقوله اصلی (بعد) - ۱۵ مقوله فرعی	
ابعاد آزادی علمی	آزادی آموزشی - آزادی پژوهشی - آزادی بیان - آزادی اندیشه - آزادی یادگیری
چالش‌های آزادی علمی	قضایی، دولتی - نهادی - فردی - ماهیت علم
پیش نیازها (ملزومات)	عامل سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران - عامل ساختاری - عامل زمینه‌ای
راهکارهای نهادینه‌سازی	عامل فرهنگی، اجتماعی - عامل سیاسی - عامل اقتصادی
حدود آزادی علمی	عامل اخلاق - عامل حرفه علمی

۴-۱- مولفه‌های (ابعاد) آزادی علمی

بررسی اسناد و منابع موجود نشان می‌دهد که دیدگاه‌ها در مورد آزادی علمی دارای موافقان و مخالفان زیادی می‌باشد. از اینرو بسترسازی برای دستیابی به آزادی علمی به عنوان یک امر مفید و دارای دستاوردهای مفید، فرایندی سخت و نیازمند تلاش مستمر می‌باشد. با این همه باید در ابتدا مولفه‌های اصلی آن مشخص گردد. روشن است که آزادی علمی مفهومی نسبی و برداشت‌های متفاوتی از آن در جوامع مختلف مطرح می‌شود، اما همین تعاریف و برداشت‌های متفاوت باعث شناسایی ابعاد و مولفه‌های آزادی علمی می‌شود که می‌تواند مسیر را برای درک همگانی از این مفهوم هموار سازد:

مصاحبه شونده شماره ۱: "اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها باید آزادی داشته باشند که دانسته‌های خود را به دانشجویان بیاموزند و شیوه‌هایی را برای آموزش صحیح انتخاب کنند و بتوانند موردهایی را در بحث آموزش بر سر کلاس بیاورند و آموزش دهند و هیچ گونه محدودیتی در این زمینه نداشته باشند. اعضای هیات علمی در انتخاب موضوع پژوهشی باید آزاد باشد و یافته‌ها را بتوانند انتشار دهند هر چند که این یافته‌ها بر خلاف معنویات رسمی باشد"

مصاحبه شونده شماره ۳: "آموزش و پژوهش ساختار هستند. اما ایجنت (کارگزار) هم مهم است. کارگزار یعنی خود نخبگان علمی باید کسانی باشند که علاقمند باشند با رویکرد نقادانه و بازاندیشی امورات مختلف را مورد بررسی قرار دهند و خودشان در بند یک ایده قرار ندهند"

مصاحبه شونده شماره ۵: "آزادی علمی دارای ابعاد متفاوتی می‌باشد، و این ابعاد می‌تواند شامل؛ ابعاد آموزشی، پژوهشی، مشاوره‌ای و اجرایی داشته باشد. اگر فعالیت‌های علمی را در چهار بعد تقسیم‌بندی کنیم؛ آموزش، پژوهش، خدمات اجرایی (اجتماعی) و مشاوره

های علمی و تخصصی، در همه این ابعاد یک استاد می‌خواهد فرایند یاددهی و یادگیری را اجرا کند. باید آزاد باشد و احساس آزادی داشته باشد"

جدول ۳: ابعاد آزادی علمی

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
انتقال دانسته‌های آموزشی بدون محدودیت	آزادی آموزشی	ابعاد آزادی علمی
انتخاب روش تدریس مناسب		
استفاده از نمونه‌ها و مورد‌های مناسب در آموزش		
انتخاب آزادانه موضوع آموزشی		
انتخاب محتوای دروس		
شیوه‌های ارزشیابی دانشجویان		
ارائه مثال‌ها و موارد متفاوت در آموزش		
انتشار آزادانه نتایج پژوهش	آزادی پژوهشی	
تبدیل دانش به بسته‌های عملیاتی و مشاوره‌ای		
انتخاب آزادانه موضوع پژوهشی		
کاربرد نتایج پژوهش		
مالکیت معنوی		
بیان آزادانه یافته‌های پژوهشی		
دسترسی آزاد به اطلاعات پژوهشی	آزادی بیان	
آزادی در نوع بیان		
آزادی در انتخاب مخاطب		
آزادی در انتخاب وسیله بیان	آزادی اندیشه	
وجود تضارب عقاید و اندیشه		
ارائه نتایج اندیشه ورزی		
ارائه نتایج تفکر و شهود		
طراحی آزادانه ایده‌ها		
آزادی در نحوه شکل دهی به اندیشه‌ها		
آزادی در نحوه انتقال اندیشه‌ها		
دسترسی آزاد به کانال‌های ارتباطی	آزادی یادگیری	
انتقال آزادانه یافته‌ها		

۲-۴- چالش‌ها و موانع آزادی علمی

یکی از مواردی که شناسایی آن می‌تواند مسیر را برای دستیابی به آن هموار بسازد شناسایی موانع و چالش‌ها می‌باشد. آزادی علمی مانند سایر مقوله‌های اجتماعی و انسانی مفهومی نسبی می‌باشد که نیازمند بررسی دقیق و مشخص نمودن حد و مرز برای جلوگیری از سوء برداشتها می‌باشد. در این میان برای مشخص نمودن خطوط اصلی آزادی با چالش‌های جدی مواجه می‌شویم:

مصاحبه شونده شماره ۲: "سیاست‌زدگی محیط دانشگاه، امنیتی شدن محیط دانشگاه و تلقی غلط از علوم انسانی در محیط دانشگاه و جامعه از چالش‌های اساسی آزادی علمی می‌باشد. وقتی دانشگاه سیاست زده باشد، این اجازه و حق را به اساتید نمی‌دهد که سیاست‌های مختلف را مورد نقد قرار دهد و اگر این کار انجام شود برچسب‌هایی خواهد خورد"

مصاحبه شونده شماره ۷: "مراکز علمی و دانشگاه‌ها در حقیقت با مانع معرفتی و ایدئولوژیک مواجه شده است و اجازه ورود افکار و عقاید گوناگون و متفاوت را نمی‌دهد. همچنین مراکز دانشگاهی به لحاظ امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری با مشکل مواجه است. چالش دیگر معیارهای تحول و پیشرفت علمی در مراکز دانشگاهی بسیار تک بعدی، تقلیلی و آماری شده است. مقاله‌سازی و کتاب‌سازی جامعه دانشگاهی را نابود کرده است"

مصاحبه شونده شماره ۹: "آزادی علمی برای این که از جانب نقش آفرینان اصلی نمود پیدا کند، اساتید دانشگاه باید یک نگرش تازه ای در ارتباط با رویکرد آموزشی، پژوهشی داشته باشند که غالباً این رویکرد وجود ندارد، در واقع به این صورت است که اساتید اولاً باید بخش قابل توجهی از اوقات خودشان را صرف تفکر و اندیشیدن در مورد مسائل مرتبط با رشته‌ی خودشان صرف کنند. چون فکر کردن و اندیشیدن مهم‌ترین فعالیت علمی می‌باشد. دوم این که اساتید باید در رویکرد آموزشی و پژوهشی خود مسئله را جایگزین سوال بکنند"

جدول ۴: چالش‌ها و موانع آزادی علمی

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
سیطره معرفت دینی بر معرفت علمی در دانشگاه‌ها	قضایی - دولتی	چالش‌های آزادی علمی
نگاه توتالیتر و خودخواهانه و تقلیل‌گرایانه به دانشگاه		
داشتن عقل ابزاری		

وجود علم سیاسی			
رقابت توده‌های ایدئولوژیک			
وجود رژیم‌های توتالیتر و فاشیستی			
نگاه ابزاری به علم			
وجود قوانین و مقررات کور			
تحمیل ساختارها			
معامله پولی و مادی با علم			
وجود موانع معرفتی و ایدئولوژیکی			
سیطره امر سیاسی بر دانشگاه‌ها و معرفت علمی			
دولتی شدن اداره دانشگاه‌ها، استخدام و جذب هیئت علمی			
دخالت نهادهای امنیتی داخل و خارج از دانشگاه در مقدرات علمی درون دانشگاه			
تلقی غلط از علوم انسانی در محیط دانشگاه و جامعه			
امنیتی شدن دانشگاه			
عدم حمایت از ابتکارات و خلاقیت			
وجود قدرت سلسله مراتبی در درون دانشگاه			نهادی
نبود ارتباطات آزاد علمی			
تفاوت بین برداشت‌های مدیران دانشگاهی با برداشت‌های اعضای هیات علمی و دانشجویان			
وجود کارمند علمی به جای هیات علمی			
عدم تشکیل نهاد علمی و نبود هنجارهای دانشگاهی			
مشکل امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری			
عدم اقبال و توجه به دانشگاه‌ها			
از دست دادن هویت دانشگاهی			
معیارهای تحول و پیشرفت علمی در مراکز دانشگاهی بسیار تک بعدی، تقلیلی و آماری			
تمرکزگرایی			
دانشگاه عرصه اشتغال برای نیروهای ایدئولوژیک			
وجود نهادهای غیرعلمی در درون دانشگاه			
نداشتن استقلال دانشگاهی			
وجود شبه تشکل‌های سیاسی درون دانشگاهی			
نهادهای غیرعلمی بدون کاراکتر دانشگاهی درون دانشگاهی			
نگاه مدیران دانشگاهی به اساتید به عنوان مبلغ و مبشر			
ساختارهای بوروکراتیک			
عدم حمایت از ابتکارات و خلاقیت			

مواجب بگير بودن اعضای هیات‌علمی از دولت	فردی	
محافظه کاری و ملاحظه کاری اعضای هیات‌علمی		
وظیفه‌گرایی اعضای هیات‌علمی		
نداشتن خوداتربخشی و خودکارآمدی		
خودسانسوری		
عدم وجود شان روشنفکری		
مدرک‌گرایی		
مقاله و کتاب‌سازی		
دغدغه امکانات و منابع مالی		
فرصت طلبی		
نبود رقابت علمی و اندیشه‌ورزی بین اساتید و دانشجویان		
تقدم تعهد بر تخصص		
نداشتن شک منظم به علم		
فقر معرفتی و تعارض معرفتی نسبت به علوم انسانی	ماهیت علم	
تصور نادرست از علوم‌انسانی به عنوان علوم وارداتی		
رویکرد تقلیل‌گرایانه مراجع تصمیم‌گیری و نظام حاکمیت نسبت به فهم علم		
عدم درک ماهیت علوم‌انسانی و اجتماعی		
مخدوش شدن تمامیت معرفت علمی		
تقسیم معرفت و مرزبندی معرفتی		
استفاده از یک دیدگاه و عدم بررسی مداوم نظریات		
تلقی مطلق انگار از علم		
عدم بازاندیشی و تامل‌گرایی در نظریات علمی		
ارجح دانستن نوع علم بر نوع دیگر		
علم‌سازی به جای علم‌ورزی		
هنجارگرایی‌های علمی		
نگاه ابزار‌ی و صوری به علم		
داشتن مسئولیت مشترک ملی در قبال آزادی علمی		

۳-۴- پیش‌نیازهای (ملزومات) آزادی علمی

روشن است که نمی‌توان آزادی علمی را در خلاء محقق ساخت. در گام نخست باید پیش‌نیازها و لوازم عملیاتی ساختن آزادی علمی در آموزش‌عالی را شناسایی کرده و مورد بررسی قرار داد. آزادی علمی همانند دیگر فعالیت‌ها در گذر زمان باید توسعه یابد و امری کوتاه مدت نمی‌باشد.

در بعد پیش‌نیازهای آزادی علمی، سه مقوله اصلی شناسایی شدند که عبارتند؛ ۱- عامل سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران، ۲- عامل ساختاری، و ۳- عامل زمینه‌ای:

مصاحبه شونده شماره ۹: "به لحاظ سازمانی و نهادی آموزش و پژوهش باید تنها مختص به دانشگاه‌ها باشد، چون دانشگاه محیطی است که پژوهشگران و استادان حضور دارند و بقیه نهادها که وظایف دیگری دارند مانند؛ اجرایی، نظامی، اقتصادی و غیره باید از علم دانشگاه استفاده کنند، تا دانشگاه بتواند هویت خود را پیدا کند. به لحاظ مدیریتی، دانشگاه بر خلاف نهادهای دیگر یک محیط اجرایی و اداری نیست و یک محیط علمی می‌باشد. محیط علمی، در واقع همه در عرض هم قرار دارند و برابر و قابل احترام هستند و هیچ‌گونه سلسله‌مراتبی وجود ندارد و سیستم تعیین روسای دانشگاه‌ها باید درون دانشگاهی باشد"

مصاحبه شونده شماره ۱: "تنوع منابع مالی دانشگاه، و دانشگاهیان از منابع مختلفی بتوانند درآمد کسب کنند. انجمن‌های علمی باید نقش بیشتری در دانشگاه‌ها داشته باشند و هم چنین قوانین مطبوعات باید تغییر پیدا کند. آزادی علمی یک امر فرهنگی می‌باشد که نیازمند الگو می‌باشد. این الگوها باید از آزادی علمی استفاده کنند، بنابراین آزادی علمی باید الگو داشته باشد تا زمینه برای احیاء آن مهیا شود. حرفه و نهادهای علمی باید قوی باشند و دانشجویان باید اجتماعی شوند. مدرک‌گرایی دانشجویان حاصل وظیفه‌گرایی اعضای هیات علمی می‌باشد. علم باید الگو داشته باشد و جامعه در حال حاضر فاقد الگو می‌باشد. بین‌المللی شدن و مراودات بین‌المللی به ما الگوهایی از کلاس جهانی علم ارائه می‌دهند. کمیت‌گرایی نیز در آموزش عالی مهم است. آزادی علمی در دانشگاه‌های توده‌گرا به حاشیه رانده می‌شود و در دانشگاه‌های نخبه‌گرا به آن توجه می‌شود. درک جامعه از دانشگاه و علم باید وجود داشته باشد و ارتباط آنها به صورت مداوم باید وجود داشته باشد و اگر وجود نداشته باشد آزادی علمی با چالش اساسی مواجه خواهد شد. داشتن عزت نفس، نقدپذیری، نقادی، شفافیت و مسئولیت‌پذیری از لوازم اساسی آزادی علمی می‌باشد"

جدول ۵: پیش‌نیازهای آزادی علمی

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
استقلال تصمیم‌گیرندگان	سیاستگذاران - تصمیم‌گیرندگان	پیش‌نیازهای (ملزومات) آزادی علمی
پایبندی به هنجارهای دانشگاهی		
برداشت درست سیاستگذاران از آزادی علمی		
تصمیم‌گیرندگان دانشگاهی و درون‌زا		

اعطای قدرت به دانشگاه‌ها و گروه‌های آموزشی	عامل ساختاری
اعطای آزادی بیان، گردش آزاد اطلاعات و نبود فیلترینگ	
وجود شرایط مناسب سیاسی - فرهنگی	
افزایش میزان تحمل‌پذیری و پذیرش دیدگاه مخالف	
داشتن عقل هرمنوتیک	
رقابت آزاد در جذب اعضای هیات‌علمی و دانشجوی در بین دانشگاه‌ها	
حرکت به سمت دانشگاه‌های نخبه‌گرا به جای توده‌گرا	
استقلال دانشگاهی و مالی و فکری	
هم‌فهمی و هم‌ذهنی بین بدنه مدیریتی و بدنه حرفه‌ای دانشگاه	
هم‌فهمی و هم‌ذهنی بین بدنه اداری و بدنه حرفه‌ای دانشگاه	
مطالعه بین رشته‌ای، تفسیر، تاویل، و استفاده از رویکردهای دیالوگی	عامل زمینه‌ای
حمایت مسئولان اجرایی دانشگاه‌ها	
داشتن نقش نماینده اعضای هیات‌علمی در بین مسئولین اجرایی	
داشتن انجمن یا صنف رسمی	
وجود امکان پرسشگری و به چالش کشیدن نظریات علمی	
درک جامعه از علم و دانشگاه	
بین‌المللی شدن و مراودات بین‌المللی	
افزایش آگاهی جمعی	
افزایش سطح شعور سیاسی و فرهنگی در حوزه عمومی	
وجود زمینه اجتماعی برای آزادی علمی	
نقادی و نقدپذیری	عامل فردیت
داشتن عزت نفس	
شفافیت و مسئولیت‌پذیری	
تمرین آزادی علمی در بین هیات‌علمی و دانشجویان	
اجتماعی شدن دانشجوها	
وظیفه خدمت‌رسانی به جامعه به جای وظیفه‌گرایی سنتی	
توجه به نقش اجتماعی اعضای هیات‌علمی	
وجود انجمن‌های علمی و نهادهای فراگیر	

۴-۴- راهکارهای نهادینه ساختن آزادی علمی

راهکار به معنی تلاش برای ساخت موقعیت است تا بتوان از طریق آن مشکلات موجود در سازمان را مرتفع نمود. راهکارها باید به دنبال یک بستر مشخص که قابلیت عملیاتی شدن داشته باشند حرکت کنند. راهکارهای نهادینه ساختن آزادی علمی در نظام آموزش عالی باید بر اساس ویژگی

ها و موقعیت محیط درونی و محیط بیرونی دانشگاه‌ها و روندهای موثر در ارتباط با این دو محیط مورد بررسی قرار گیرد:

مصاحبه شونده شماره ۱۰: "مراجع و نهادهای خارج از دانشگاه‌ها که هویت وجودی آنها چیز دیگری می‌باشد در دانشگاه‌ها دخالت نداشته باشند. در دانشگاه نباید سلسله مراتب داشته باشیم و دانشگاه نباید به صورت جزیره‌ای عمل کند و منفک از جامعه باشد. وجود نهادهای سیاسی در درون دانشگاه، تصمیم‌گیری می‌کنند، اظهار نظر می‌کنند و یک نقش وتویی دارند باید حذف شوند. ما باید در جامعه تکثر سیاسی و تکثر اندیشه را بپذیریم و اگر نپذیریم دچار بحران خواهیم شد چون دولت‌های اقتدارگرا و تک بعدی اجازه به هیچ رقیبی نخواهند داد"

مصاحبه شونده شماره ۲: "در دانشگاه‌ها نیازمند یک حوزه بسیار وسیع برای آزادی نقد و گفتگو باشیم. بتوانیم فارغ از هر گونه فشار سیستم گفتگو کنیم و در مورد مسائل متفاوت گفتگوهای علمی داشته باشیم. کرسی‌های آزاد اندیشی می‌تواند یکی از مصادیق مهم آزادی علمی باشد، اما در حال حاضر این کرسی‌ها محملی شده برای دعوت از آدم‌های خاص برای بیان ایده‌های خاص. دسترسی به کانال‌های ارتباطی می‌تواند یکی از راهکارها برای گسترش آزادی علمی شود"

مصاحبه شونده شماره ۸: "چرخش آزاد اطلاعات لازمه دانش آفرینی است. دانشگاه‌ها باید در فضای جهانی قرار گیرد، ولی الان دانشگاه‌های ما یک نهاد جدا از فضای جهانی است. وجود نشریات رانتی در کشور باعث می‌شود که چرخش آزاد اطلاعات صورت نگیرد. در فضای محدود و بسته نمی‌توان از دانش آفرینی صحبت کرد. نگاه به نقش اجتماعی دانشگاه: الان به جای بحث در مورد دانشگاه بنگاه، حرف از بنگاه اجتماعی است، که بازگشتی به دولت‌های رفاه است و بازگشتی به نقش اجتماعی دانشگاه است. یعنی به جای اندیشیدن به سود خود به منافع عمومی اندیشیده می‌شود. راهکارهای دیگر شامل؛ اراده در بخش عمومی، نقد کردن دانش، ارتباط منسجم با نهادهای دیگر و با نهادهای دانش آفرین جهانی، تربیت افراد متفکر نقاد به جای مهارت‌آموزی که شخص بتواند چه فن و چه دانش بیافریند"

جدول ۶: راهکارهای نهادینه سازی آزادی علمی

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
داشتن الگو برای آزادی علمی	عامل فرهنگی - اجتماعی	راهکارهای نهادینه سازی آزادی علمی
آزادی نقد و گفتگو		
نزدیک شدن زیست جهان افراد به یکدیگر		
وجود عنصر بین ذهنی و ارتباطات مداوم		
گشایش در جامعه مدنی و حوزه‌های عمومی		
گسترش فرهنگ کتابخوانی		
ایفای نقش کرسی‌های آزاد اندیشی		
وجود جو و فرهنگ سازمانی مشارکتی		
وجود کرسی‌های آزاد اندیشی و انجمن‌های علمی		
افزایش میزان تحمل‌پذیری		
نهادینه ساختن فرهنگ پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری		
وجود نهادهای فراگیر	عامل سیاسی	
حذف نهادهای چپاول‌گر		
شبکه‌های علمی و حلقه‌های علمی		
حرکت به سمت ساختارهای سیاسی غیرمتمرکز		
اصلاح نظام خط‌مشی‌گذاری عمومی		
بلوغ سیاسی و مدنی جامعه	عامل اقتصادی	
سرمایه‌گذاری زیاد بر روی مراکز علمی		
تنوع بخشی به منابع مالی دانشگاه		
تعامل خلاق دانشگاه‌ها با صنعت		
وجود امکانات سخت افزاری و نرم افزاری		
تقویت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات		
حرکت به سمت دانشگاه کارآفرین		

۴-۵- حدود آزادی علمی

آزادی به صورت مطلق وجود ندارد و با توجه به حساسیت‌ها نسبت به این مقوله نیازمند تعیین حدود برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها از آن می‌باشد. در حال حاضر با توجه به آزادی‌هایی نوظهور و چالش برانگیز که حمایت از آنها با حساسیت‌های زیادی مواجه است، با تصویب قوانینی در ارتباط با آنها که از جمله؛ نژاد، مذهب، جنسیت، گرایش‌های جنسی و امثال آنها؛ محدودیت

هایی ایجاد شده است و دانشجویان و دیگر اعضا با رعایت این قوانین می توانند آزادی داشته باشند:

جدول ۷: حدود آزادی علمی

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی	
پاسخگویی	عامل اخلاق	حدود آزادی علمی	
مسئولیت پذیری			
شفافیت			
توجه به حوزه‌ی اخلاق در حیطه عمومی، اجتماعی و عینی			
امنیت و وحدت ملی			
توجه به قراردادهای اجتماعی علم			
عدم سوء استفاده از آزادی علمی به بهانه روشنفکری			
توجه به تفاوت‌های فردی			
رعایت قوانین و مقررات عمومی			عامل حرفه علمی
تابع هنجارهای دانشگاهی			
تعهد نسبت به علم			
تایید فعالیت‌های علمی توسط گروه‌های حرفه‌ای			
توجه به کدهای حرفه‌ای موجود در حیطه علم			
توجه به چهارچوب و مقررات علم و عدم خروج از این چهارچوب			
رعایت قواعد و استانداردهای علمی			
توجه به قواعد و قوانین حاکم بر علم			

مصاحبه شونده شماره ۵: "اگر زمانی شخصی در حوزه تخصصی خود اشتباهی را مرتکب شده باشد باید بدنه حرفه‌ای آن رشته این اشتباه را مشخص سازد که این نظر و ایده اشتباه می‌باشد و باید خود شخص پاسخگو باشد و مسئولیت کار را قبول کند و جوابگو باشد. در حوزه عمومی تحلیلی را ارائه می‌دهید و این نظر را نمی‌خواهند اجرا کنند، پس در حوزه عمومی و تخصصی شرایط متفاوت می‌باشد. زمانی که ما می‌خواهیم حل مساله کنیم و راهکار بدهیم و نسخه بپیچیم باید نزد متخصص برویم. ولی زمانی که در فضای عمومی در مورد موضوعی که دانشی در مورد آن داریم یک نظر و تحلیلی را ارائه می‌دهیم"

مصاحبه شونده شماره ۶: "ما زمانی می‌توانیم بگوییم که آزاد هستیم که قبل از آن عمل، اختیار و اخلاق وجود داشته باشد. بنابراین ما کدهای حرفه ای داریم و یکی از کدهای حرفه‌ای، فضای اخلاق می‌باشد. من آزادم در چارچوب و محدوده‌ای که علم برای من مشخص ساخته است فعالیت کنم و حق ندارم خارج از این چارچوب که بدان علم ندارم

ورود پیدا کنم. بنابراین در اینجا یک کد اخلاقی مطرح می‌شود و آن هم اظهار نظر تخصصی از منظر تخصصی و دانشگاهی می‌باشد و اگر خلاف آن باشد نقض آزادی علمی و انارشیکری محسوب می‌شود و این خلاف قرارداد اجتماعی علم است"

۵- بحث و نتیجه‌گیری

آنچه بدیهی است این موضوع است که، آزادی علمی باید براساس محیط و شرایط سیاسی و فرهنگ حاکم بر جامعه مورد بررسی قرار گیرد، زیرا فرهنگ حاکم بر هر جامعه‌ای، نقش تعیین کننده‌ای در کلیه امور و به ویژه در جهت‌گیری‌های علمی آن جامعه دارد و به عنوان یکی از مولفه‌های استقلال دانشگاهی در نظر گرفته شده است. بنابراین لازم است از آن به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام آموزش عالی یاد شود. اما اگر موضوع آزادی علمی را تنها سوار بر مرکب اسناد و قوانین کنیم، آنگاه به باور حاصبنظران حوزه آموزش عالی در این زمینه کمبودهایی وجود خواهد شد. آزادی علمی چیزی با ارزش‌تر از آن است که تنها در اسناد و قوانین آورده شود بنابراین باید تلاش شود که موضوع از دریچه محیط و باورهای فرهنگی نگریسته شده و دانسته شود که محیط و باورهای فرهنگی چه ویژگی‌های داشته که بر آزادی علمی می‌تواند تاثیرگذار باشد و چه باید کرد تا این چیرگی زوده شود و میان آزادی علمی و ویژگی‌های محیطی و باورهای فرهنگی، تعادلی برقرار گردد.

پیچیدگی چپستی آزادی علمی نیز در گفته‌های مصاحبه شوندهگان آشکار بود و هر کدام تعریف و دیدگاه خاصی نسبت به آزادی علمی داشتند. رشته‌های مختلف علمی چون از گستره متفاوتی از آزادی‌ها برخوردار هستند تعاریف متفاوتی را مطرح می‌سازند و در رشته‌های علوم انسانی به دلیل وجود محدودیت‌های بیشتر، تلقی از آزادی علمی متفاوت با سایر علوم می‌باشد. اما آنچه که در مصاحبه‌ها مطرح گردید نشان داد که آزادی علمی در سایر رشته‌ها نیز باید به صورت جد مورد بررسی قرار گیرد و برای آن مرزی مشخص شود. یکی از صاحب‌نظران در این زمینه چنین اظهار نمود:

"آزادی علمی یعنی به چالش کشیدن سپهرهای اندیشه‌ورزی، خرد و دانش بشری، برای این که به دانشی دست پیدا کنیم تا به جامعه و انسان کمک کند. آزادی علمی یعنی این که بتواند جلوی دانش‌نما قرار گیرد و آن‌ها را به چالش بکشد. آزادی علمی باید موافق با طبیعت انسان باشد و هر علمی که انسان را از طبیعت آن جدا سازد، نوعی نقض آزادی علمی می‌باشد."

صاحب‌نظر دیگر چنین بیان نمود:

"آزادی علمی دارای اثری می‌باشد و این آثار باید تنها در مسیری باشد که انسان را از طبیعت خود دور نسازد، یعنی انسان به گونه‌ای که در طبیعت زندگی می‌کند از یک سری چهارچوب‌های طبیعی و نظم فطری تبعیت می‌کند و اگر آزادی آن چهارچوب را بر هم بزند قطعاً غیر طبیعی خواهد بود. نمادهای زیادی مانند کلان شهرها، بعضی از تکنولوژی‌ها پدیده‌های غیر طبیعی هستند".

در خصوص ابعاد آزادی علمی، دیدگاه اعضای دانشگاهی روی پنج بعد قابل بررسی است. اولین بعد، آزادی آموزشی است. منظور از آزادی آموزشی، آزادی اعضای هیات‌علمی در انتقال دانش بین ذی‌نفعان دانشگاهی (اساتید-دانشجویان و کارکنان) بدون هیچ‌گونه فشار و یا محدودیتی از سوی نهادها می‌باشد. بنابراین، آزادی آموزشی مرتبط با استاد-دانشجو، استاد-استاد و استاد-کارمند می‌باشد که در آن اساتید که دارای بالاترین تخصص در رشته علمی خود هستند، می‌توانند آزادانه فرایند تدریس را طراحی، اجرا و ارزشیابی کنند. در این رابطه صاحب‌نظری بیان نمود:

"آزادی آموزشی؛ آزادی در انتخاب محتوای دروس بر اساس تخصص هیات‌علمی، آزادی در انتخاب روش‌های تدریس، آزادی در شیوه‌های ارزشیابی دانشجویان می‌باشد".

آزادی پژوهشی، به آزادی اعضای هیات‌علمی و پژوهشگران در زمینه‌های تخصص علمی شان، به صورت فردی یا گروهی بدون آنکه فشار یا محدودیتی از سوی نهادها و ساختارهای دانشگاهی و برون دانشگاهی بر فعالیت پژوهشی آنها تحمیل گردد گفته می‌شود. همچنین آزادی در انتخاب موضوع پژوهشی، آزادی در دسترسی به اطلاعات، آزادی در چاپ و انتشار نتایج تحقیقات، توسعه فرهنگ نقد و آزاد گذاشتن محققان در ایجاد ارتباط با نهادهای مختلف ملی و بین‌المللی و غیره از جمله شاخص‌های دیگری هستند که در ارتباط با آزادی پژوهشی در دانشگاه‌ها باید لحاظ شود.

بعد سوم آزادی علمی آزادی اندیشه می‌باشد، آزادی اندیشه آن نوع آزادی است که متخصصان و دانشگاهیان در هر زمینه علمی بدون محدودیت و غرض‌ورزی‌ها بتوانند به نقد و بررسی کارها و افکار صاحب‌نظران، تبادل فکری و علمی با متخصصان داخلی و خارجی و بیان دیدگاه‌ها بپردازند. بنابراین آزادی اندیشه به معنای ظهور و بروز شک‌ها، تخیلات و فرضیات علمی در ذهن دانشگاهیان در فضای کاملاً آزاد و توانایی افراد در عملیاتی ساختن این تفکرات و نقد کردن تفکرات دیگران بدون اعمال هیچ‌گونه فشاری از سوی افراد و نهادها می‌باشد (موفقیان، ۱۳۸۳: ۱۱). صاحب‌نظری در زمینه این نوع آزادی بیان می‌کند:

"هر گونه فعالیت علمی ابتدا از اندیشیدن و فکر کردن شروع می‌شود. یعنی فکر کردن برای طراحی ایده‌ها، نقطه آغاز فعالیت علمی و آزادی علمی می‌باشد. بنابراین اندیشیدن و اندیشه‌ورزی اولین بعد از آزادی علمی است که این نوع آزادی شامل: آزادی در نحوه شکل‌دهی به اندیشه‌ها و آزادی در نحوه انتقال اندیشه‌ها می‌باشد. آزادی اندیشه ممکن است که به صورت کامل اتفاق بیفتد چون عمل اندیشیدن و اندیشه‌ورزی در ذهن انسان ها اتفاق می‌افتد و کسی نمی‌تواند برای آن حد و مرزی مشخص کند."

چهارمین بعد آزادی بیان است که در آن دانشگاهیان به انتشار و اشاعه اندیشه، و نظریات خود می‌پردازند. موشمن (۲۰۱۷) نیز با تاکید بر آزادی اندیشه و بیان، آنها را امری اساسی برای آزادی علمی می‌داند. صاحب‌نظری در این حوزه بیان می‌دارد:

"معنای انتقال اندیشه‌ها به دیگران که شامل؛ آزادی در نوع بیان، انتخاب مخاطب و انتخاب وسیله بیان می‌باشد، اما این آزادی بیان که در آزادی علمی مطرح می‌شود با آزادی بیان که به صورت عام در جامعه مطرح است متفاوت می‌باشد و آزادی بیان به حوزه تخصصی اعضای هیات‌علمی بر می‌گردد."

آخرین بعد آزادی یادگیری می‌باشد که بیشتر در ارتباط با آزادی دانشجویان در امر یادگیری است. این یافته‌ها در زمینه ابعاد آزادی علمی با نتایج پژوهش‌های های مهمانه^۱ (۲۰۱۱)، گروف و همکاران (۱۹۹۸)، چانگ^۲ (۲۰۰۱)، ورلینک و همکاران (۲۰۱۱)، فوجز (۱۹۶۳)، دونالد و داوونز^۳ (۲۰۰۹)، لاپراد^۴ (۱۹۴۹) و پریسی^۵ (۱۹۹۱)، ریجانا (۲۰۰۹)، رابان^۶ (۱۹۹۴)، آدریان^۷ (۲۰۰۵)، فراستخواه (۱۳۸۲) و دهقان و همکاران (۱۳۹۰)، و ذاکر صالحی (۱۳۸۹) همسویی دارد. در زمینه چالش‌های آزادی علمی نیز برداشت‌ها متفاوت بوده و عوامل مختلفی مطرح گردید، ولی اکثر صاحب‌نظران بر این اعتقاد داشتند که برای رفع چالش‌ها و نهادینه‌سازی آزادی علمی در نظام آموزش عالی باید یک ترازمندی مناسبی بین باورهای فرهنگی و آزادی علمی ایجاد شود. به دنبال همین ناهم‌سویی، نظام آموزش عالی ایران نتوانسته ترازمندی مناسبی بین باورهای فرهنگی و آزادی علمی ایجاد کند و همین امر باعث بوجود آمدن چالش‌هایی برای اعضای هیات

1- Mahamane
2- Chang
3- Donald & Downs
4- Laprade
5- Preece
6- Rabban
7- Adrian

علمی دانشگاه‌ها شده است.

یکی از چالش‌های اساسی فراروی آزادی علمی در نظام آموزش عالی، سیطره دولت بر معرفت‌شناسی علمی و کنترل از طریق سیاسی می‌باشد. همچنان که یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، بر این نظر است که سیطره دولت بر دانشگاه‌ها و اعمال نفوذ بر آنها باعث مخدوش شدن تمامیت معرفت علمی و از بین رفتن یکپارچگی معرفت‌شناسی علمی می‌شود و این امر باعث می‌شود تا اعضای دانشگاهی به سمت وظیفه‌گرایی حرکت کرده و خودکارآمدی و خودفهمی آنها از بین برود. مشارکت‌کننده دیگر در بیانی مشابه معتقد است؛ دخالت دولت و دیگر نهادها در امور دانشگاه باعث عدم پویایی علمی می‌شود و دولت نباید به دلیل تامین منابع مالی دانشگاه باعث مخدوش شدن استقلال دانشگاهی شود، همچنین دولت حق ندارد نحوه اندیشیدن، شیوه اندیشیدن، و ماهیت اندیشیدن را بر دانشگاه‌ها غالب نماید.

از نظر مشارکت‌کنندگان این پژوهش، یکی دیگر از چالش‌های اساسی که آزادی علمی در نظام آموزش عالی با آن مواجه است، نبود سازوکارهای حقوقی مناسب برای حمایت از اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها است. ایشان عنوان داشتند که آزادی علمی از نظر حقوقی با کاستی‌های اساسی مواجه است و تا کنون ترسیم حقوقی دقیقی در این زمینه صورت نگرفته است و ظرفیت‌های کنونی قانون نیز ناشناخته هستند. چنان که یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه بیان می‌کند که یکی از ملزومات اساسی برای رسیدن به آزادی‌ها تعیین سازوکارهای حقوقی برای حمایت از آزادی‌ها می‌باشد. نخستین شرط وجود آزادی، برقراری امنیت و آرامش در جامعه است و برای این که از آزادی استفاده‌ی مطلوب صورت پذیرد قانون می‌تواند راهگشای این امر در ترازمندی بین آزادی و امنیت شود و تمهیداتی جهت حفظ، تضمین و گسترش آزادی‌ها فراهم سازد. کیش^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان آزادی علمی، به بررسی تاریخچه سازوکارهای قانونی در حمایت از آزادی علمی پرداخته شده است. در این پژوهش به آزادی علمی از منظر قانون نگریسته شده است و این آزادی را به دلیل حرفه‌ی علمی از دیگر آزادی‌ها مجزا می‌داند.

چالش‌های دیگری چون نبود استقلال دانشگاهی، استقلال مالی، تمرکزگرایی، وجود نهادهای موازی و عدم استقلال در تصمیم‌گیری‌های درون دانشگاهی نیز توسط مشارکت‌کنندگان مطرح شد. نتایج پژوهش حاضر در زمینه چالش‌های آزادی علمی با نتایج پژوهش‌های لی^۲ (۲۰۱۳)، فوجز (۱۹۶۳)، کاندیدو^۳ (۱۹۹۷)، رابان (۱۹۹۸) و روپ (۲۰۰۵) همسویی دارد اما با پژوهش

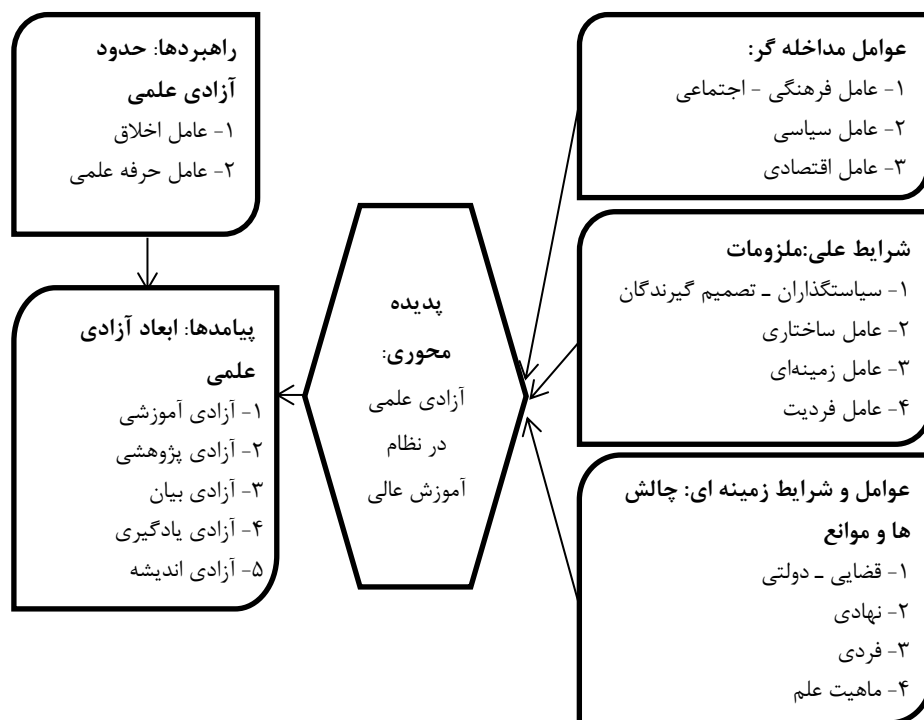
1- Kish

2- Lee

3- Candido

دیکنسون (۲۰۰۵) همسویی ندارد و بیان می‌کند که قانون و قوه قضائیه در امور دانشگاه نفوذی ندارد.

سپس در ادامه صاحب‌نظران راهکارهایی برای نهادینه سازی آزادی علمی و برون رفت از این چالش‌ها مطرح کردند که مهم ترین این راهکارها شامل؛ نهادینه‌شدن پاسخگویی و مسئولیت پذیری، تغییر نگاه به علوم اجتماعی و انسانی، تنوع بخشی به منابع مالی دانشگاه، بازنگری در سازوکارهای حقوقی، اصلاح نظام خط مشی گذاری و اصلاح آیین نامه‌ها و غیره است. به نظر می‌رسد برای غلبه بر چالش‌ها و تحقق نهادینه سازی آزادی علمی، نیاز به تغییرات اساسی در نگرش‌های موجود در میان سیاستگذاران و تصمیم گیران و تعامل بین بدنه حرفه‌ای و بدنه اداری دانشگاه می‌باشد.



نمودار ۱: مدل نظری نهایی

منابع

- اینشتین، آلبرت (۱۳۸۳). *حاصل عمر*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- باب الحوایجی، فهیمه؛ تاج الدینی، اورانوس؛ نوشین فرد، فاطمه و حریری، نجلا (۱۳۹۲). تدوین ابزارخودارزیابی ترجمان دانش مربوط به پژوهشگران علوم انسانی. *تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی*، ۴۷(۱)، ۴۹-۶۴.
- دهقانی، یاسر؛ مرزوقی، رحمت اله؛ فقیه، نظام الدین و فولاد چنگ، محبوبه (۱۳۹۰). بررسی میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز با توجه به متغیرهای جمعیت شناختی. *مجله پژوهش های برنامه درسی*، ۱(۲)، ۲۹-۵۵.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۷). *سنت و مدرنیسم*. تهران: انتشارات روزنه.
- سمیع آذر، علیرضا (۱۳۷۶). *تاریخ تحولات مدارس در ایران*. تهران: سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مدارس.
- صدیق، عیسی (۱۳۵۴). *تاریخ فرهنگ ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- غفرانی، محمد باقر (۱۳۸۵). مسائل ساختاری نظام آموزش عالی ایران و راه های برون رفت از آن در برنامه چهارم. *مجلس و پژوهش*، ۱۰(۴۱)، ۷۳-۱۰۰.
- فتح الهی، احمد؛ یمنی، محمد؛ صباغیان، زهرا؛ فراستخواه، مقصود؛ قاضی طباطبایی، محمد (۱۳۹۴). تحلیل محتوای برنامه های توسعه آموزش عالی با تمرکز بر تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی. *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، ۱۷(۱)، ۲۷-۴۶.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۲). آزادی علمی. *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۱۰(۴۱)، ۱۴۰-۱۰۱.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۳). آزادی علمی. *دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش های مجلس*. شماره مسلسل ۶۹۵۴، کد موضوعی ۴۱۰.
- قاضی طباطبایی، محمود و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۶). *جامعه شناسی علم و فناوری: تاملی بر تحولات اخیر جامعه شناسی علم*. *نامه علوم اجتماعی*، ۳۱، ۱۴۲-۱۲۷.
- قورچیان، نادرقلی؛ جعفری، پریش و آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۳). *دایرةالمعارف آموزش عالی*. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ اسلامی.

- کریمیان، زهرا؛ کجوری، جواد؛ لطفی، فرهاد و امینی، میترا (۱۳۹۰). مدیریت دانشگاهی و پاسخ‌گویی؛ ضرورت استقلال و آزادی علمی از دیدگاه اعضای هیات علمی. *مجله آموزش در علوم پزشکی*، ۱۱(۸)، ۸۶۳-۸۵۵.
- کسایی، نوراله (۱۳۵۸). *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن* تهران؛ دانشگاه تهران.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). *مبانی جامعه‌شناسی علم*. تهران؛ انتشارات طهوری.
- ناصح، محمدامین (۱۳۸۶). نگاهی تطبیقی به پیشینه شش مدرسه تاریخی ایران (با رویکردی به نقد تدریس الفبا در نظام آموزشی سنتی). *مجله نامه انجمن*، ۲۸، ۱۳۴-۱۰۷.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۴). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- یمینی‌دوزی‌سرخابی، محمد (۱۳۸۸). دانشگاه سازگار شونده یک فرایند پیچیده. در *رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی* (صص ۶۴-۱۳). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- Adrian, W. (2005). Truth, freedom and (dis)order in the American university. *Christian Higher Education*, 4(2), 145-154
- Beloff, M, J. (2010). Academic freedom-rhetoric or reality? *Denning Law Journal*, 22, 117 – 141.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 33-101.
- Cope, J, P. (2003). *Researching entrepreneurship through phenomenological inquiry: philosophical and methodological issues* (Working Paper: 052, Institute for Entrepreneurship and Enterprise Development, Lancaster University).
- Downs, D. A. (2009). *Academic Freedom: What It Is, What It Isn't, and How to Tell the Difference*. John William Pope Center for Higher Education Policy (NJ1). Retrieved from https://www.gprc.ab.ca/files/forms_documents/ED535445.pdf
- Estermann, T. & Nokkala, T. & Steinel, M. (2011). University Autonomy in Europe II, European University Association.
- Estermann, T., Nokkala, T., & Steinel, M. (2011). *University autonomy in Europe II*. The Scorecard. Brussels: European University Association.
- Hunt, E. (2010). The rights and responsibilities implied by academic freedom. *Personality and Individual Differences*, 49, 264-271.

- Kayrooz, C., Kinnear, P., & Preston, P. (2001). *Academic freedom and commercialisation of Australian universities* (No. 37). The Australia Institute, Discussion Paper.
- Kish, K. A. (2010). *Academic freedom: A history of the academy's legitimating concept* (Doctoral dissertation, Indiana University).
- Lee, J. (2001). *A grounded theory: integration and internalization in erp adoption and use*. (Doctoral dissertation, University of Nebraska).
- Mahamane, D. (2011). *Employment status and faculty satisfaction with academic freedom* (Doctoral dissertation, Northern Arizona University).
- Moustakas, C. (1994). Human Science Perspectives and Models. Phenomenological research methods.
- Moustakas, C. (1994). *Phenomenological research methods*. Thousand Oaks, CA: SAGE
- Patton, M. Q. (2002). Two decades of developments in qualitative inquiry: A personal, experiential perspective. *Qualitative social work, 1*(3), 261-283.
- Poch, R.K. (1993). *Academic freedom in American higher education: rights, responsibilities and limitations*. ASHE-ERIC Higher Education Report No. 4.
- Post, R. (2013). Why Bother with Academic Freedom?. *FIU Law Review, 9*, 9-20.
- Rupe, M. R. (2005). *Higher education attorneys' perceptions regarding academic freedom and challenges to academic freedom* (Doctoral dissertation, Western Michigan University).
- Scott, D., & Morrison, M. (2006). *Key ideas in educational research*. A&C Black.
- Stoica, C. F., & Safta, M. (2013). University autonomy and academic freedom - meaning and legal basis. *Perspectives of Business Law Journal, 2*(1), 192-199.
- Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (1990). *Basics of qualitative research: grounded theory procedures and techniques*. Sage.
- Tierney, W. G., & Lechuga, V. M. (2005). Academic freedom in the 21st century. *The NEA higher Education Journal, 8*, 7-21.
- Vrieling, J., Lemmens, P., & Parmentier, S. (2011). Academic freedom as a fundamental right. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 13*, 117-141.
- Zeleza, P. T. (2003). Academic Freedom in the Neo-Liberal Order: Governments, Globalization, Governance, and Gender. *Journal of Higher Education in Africa, 1*(1), 149-194.

- Zuckerman, H. (1988). The sociology of science. In NJ Smelser (Ed.), *Handbook of sociology* (p. 511–574). Sage Publications, Inc.